



«فرزند در آینه توصیف پدر، مرشد و مراد»

# لطف خفیه

مد نظرشان نمی آورند، استقلال به آن نمی دهند، مآرب دنیائیشان تحت نظرشان نیست مستقلاً و اینجا را طریق می دانند از برای جاهای دیگر از برای سعادت‌های بزرگ دیگر، اگر به ما هم ان شاء الله توفیق خدا بدهد و ما هم برسیم به یک همچو مرتبه‌ای، آن مرتبه‌ای که ما نمی توانیم ادراکش بکنیم، نمی توانیم در این عالم که هستیم نمی توانیم بفهمیم چه مدارجی است، چه عوالمی است، چه بساطی است... خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال (۱۷ شهریور ۱۳۵۷ مطابق با ۴ شوال ۱۳۹۸) مصطفاهای من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود، به پدران و مادران و همه بستگانشان تبریک می گویم.

(صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۰۲)

... من امید داشتم که این مرحوم (آیت الله شهید حاج آقا مصطفی (ره)) شخص خدمتگزار و سودمندی برای اسلام و مسلمین باشد، ولی «لا راد لقضائه و ان الله لغنی عن العالمین». بحمدالله تعالی طبقات مسلمین خصوصاً در ایران به جنبش آگاهانه گراییده‌اند و نهضت به هیچ وجه قائم به شخص یا اشخاصی نیست و امید است به زودی به نتیجه مطلوبه که اجرای احکام الهی و کوتاهی دست جباران و مترفین است، برسد.

(صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱۷)

عبور از آن باید بکنیم ما، دنیایی نیست که در اینجا ما زیست کنیم، این راه است، این صراط است، اگر توانستیم مستقیماً این صراط را طی کنیم همان طوری که اولیاء خدا طی کردند «جزنا وهی الخامده» اگر توانستیم که از این صراط به طور سلامت عبور کنیم سعادت مندیم و اگر خدای ناخواسته در این راه لغزش داشته باشیم در آنجا هم همین لغزش ظهور پیدا می‌کند، در آنجا هم موجب لغزشها می‌شود، موجب گرفتاریها می‌شود. از خدای تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم که ما را بیدار کند، ما را بر آن الطافی که خفیه است و ما مطلع بر آن نیستیم، بر آنها مطلع بفرماید تا این که ما هم مثل اشخاصی که معرفت دارند به مقام ربوبیت، معرفت دارند به مدارج انسانیت و دنیا را

بنده قبلاً از عموم طبقات، روحانیین در همه بلاد، چه عراق، چه ایران و چه سایر کشورها که اظهار محبت کردند و چه مراجع اسلام (دامه برکاتهم) و چه علمای اعلام بلاد در ایران و در اینجا و در سایر جاها (دامت عزتهم) و چه خطبای عظام و چه طبقه محصل، دانشگاهی یا غیردانشگاهی و چه کسانی که از خارج کشور، مثل آمریکا، هندوستان و سایر جاها اظهار محبت کردند، از همه آقایان تشکر و توفیق و سلامت همه را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم و اگر من در این جلساتی که آقایان اظهار محبت می‌کنند و تشکیل می‌دهند نتوانم در همه‌اش شرک کنم و یا نتوانم در بازدید آقایان با این سن پیری بروم، از همه تشکر می‌کنم و از همه عذر می‌خواهم و امید است که آقایان عذر مرا بپذیرند.

این طور قضایا مهم نیست، خیلی، پیش می‌آید، برای همه مردم پیش می‌آید و خداوند تبارک و تعالی الطافی دارد به ظاهر و الطاف خفیه، یک الطاف خفیه‌ای که خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم، اطلاع بر آن نداریم، چون ناقص هستیم از حیث علم، از حیث عمل، از هر جهتی ناقص هستیم، از این جهت در این طور امور که پیش می‌آید جزع و فزع می‌کنیم، صبر نمی‌کنیم. این برای نقصان معرفت ماست به مقام باری تعالی، اگر اطلاع داشتیم و آن الطاف خفیه‌ای که خداوند تبارک و تعالی نسبت به عبادش دارد: «و انه لطیف بعباده» و اطلاع بر آن مسائل داشتیم، در این طور چیزهایی که جزئی است و مهم نیست، این قدر بی‌طاقت نبودیم، می‌فهمیدیم یک مصالحی در کار است، یک الطافی در کار است، یک تربیتی در کار است. این دنیا دنیایی است که



**خداوند تبارک و تعالی الطافی دارد به ظاهر و الطاف خفیه، یک الطاف خفیه‌ای که خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم، اطلاع بر آن نداریم، چون ناقص هستیم از حیث علم، از حیث عمل، از هر جهتی ناقص هستیم، از این جهت در این طور امور که پیش می‌آید جزع و فزع می‌کنیم، صبر نمی‌کنیم. این برای نقصان معرفت ماست به مقام باری تعالی...**